

الدَّرْس الثالث

المعرفة و النكرة

بِيَدِهِ كِتَابٌ.



فِي الصَّفِّ طَالِبٌ.

- ١- دو کلمه «طالب» و «كتاب» چه نوع کلمه‌ای هستند؟ اسم، فعل یا حرف؟
- ٢- آیا دو کلمه «طالب» و «كتاب» بر دانش آموز و کتاب معینی دلالت می‌کنند؟
- ٣- منظور از «طالب» و «كتاب» کدام دانش آموز و کدام کتاب است؟

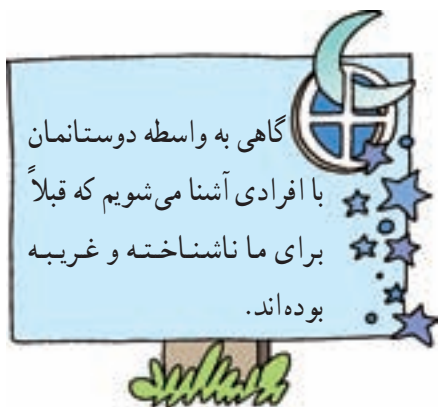
به اسم‌هایی که بر شخص یا شیء نامشخصی دلالت دارند «نکره» می‌گوییم.

آیا همه اسم‌ها نکره هستند؟
به تصاویر زیر توجه کنید.



- ١- چه تفاوتی بین تصاویر ردیف اول و ردیف دوم وجود دارد؟
- ٢- آیا تصاویر ردیف اول بر خانه، نقشه کشور و کتاب معینی دلالت دارند؟
- ٣- تصاویر کدام یک از دو ردیف برای شما شناخته شده و مشخص است؟

به اسم‌هایی که بر شخص یا شیء مشخصی دلالت دارند «معرفة» می‌گوییم.



آیا اسم های نکره را می توان معرفه کرد؟



اسم های نکره با دو واسطه می توانند معرفه شوند.

۲

نکره + معرفه = معرفه، معرفه		
کتابُ المعَلِّمِ =	المعَلِّمِ	+ کتابُ
قَلَمُكُ =	كُ	+ قَلَمُ
.....

۱

ال + نکره = معرفه		
الرَّجُلُ =	رَجُلٌ	+ ال
القَوْمُ =	قَوْمٌ	+ ال
.....

به اسم معرفه در حالت اول «معرف به ال» و در حالت دوم «معرف به اضافه» می گوئیم.

اما برخی از اسم ها به خودی خود معرفه و شناخته شده هستند، مانند:

عَلَم، ضمیر، اشاره، موصول

در سال های گذشته با ضمائر، اشاره و موصولات آشنا شدیم.

به اسم هایی که بر «جنس» یک شخص یا یک شیء دلالت می کنند در عربی اسم جنس و در زبان فارسی اسم عام گفته می شوند، مانند: مرد، زن، کشور، کوه، رود.

حال اگر از میان یک جنس یک «فرد» یا یک «واحد» را جدا کنیم و نامی بر او بنهیم این نام را در عربی اسم علم و در فارسی اسم خاص می نامند هرچند افراد متعددی با این نام خوانده شوند، مانند: حسن، زینب، ایران، البرز، کارون. علم یکی از معارف است. هر اسمی که جزء معارف فوق نباشد نکره است خواه تنوین داشته باشد یا نداشته باشد.



لا فَرْقَ بَيْنَ غَنِيِّ وَ فَكِيرٍ

سَلَّمَ رَجُلٌ فَكِيرٌ عَلَى أَحَدِ الصَّحَابَةِ فِي الطَّرِيقِ، فَرَدَّ الصَّحَابِيُّ السَّلَامَ بِرُودَةٍ. بعد مُدَّةٍ سَلَّمَ رَجُلٌ غَنِيٌّ عَلَى ذَلِكَ الصَّحَابِيِّ فَهَضَّ الصَّحَابِيُّ مِنْ مَكَانِهِ وَ رَدَّ السَّلَامَ عَلَيْهِ بِحَرَارَةٍ وَ صَافَحَهُ بِاحْتِرَامٍ وَ رَحَّبَ بِهِ ... لَمَّا وَصَلَ الْخَبْرُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) تَأَسَّفَ وَ قَالَ: «مَنْ لَقِيَ فَكِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانٌ».

الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ؟!

أَحَدَتْ رَجُلٌ مُحْسِنٌ مَسْجِدًا. فَسَأَلَهُ بُهْلُولٌ عَنْ سَبَبِ بِنَاءِ الْمَسْجِدِ.
فَقَالَ الرَّجُلُ: أَحَدَثُهُ لِاِكْتِسَابِ الثَّوَابِ.
فَصَدَّ بُهْلُولٌ اخْتِبَارَ الرَّجُلِ وَ مِقْدَارِ إِخْلَاصِهِ فِي الْعَمَلِ. فَكَتَبَ فِي لَيْلَةٍ عَلَى
جِدَارِ الْمَسْجِدِ:

«قَدْ أَحَدَتْ هَذَا الْمَكَانَ الْمُقَدَّسَ الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ بُهْلُولٌ».
فِي الصَّبَاحِ لَمَّا انْتَشَرَ الْخَبْرُ ذَهَبَ النَّاسُ إِلَى بُهْلُولٍ لِتَهْنِئَتِهِ عَلَى عَمَلِهِ الْحَسَنِ.
سَمِعَ الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ هَذَا الْحَبْرَ فغَضِبَ شَدِيدًا وَ ذَهَبَ إِلَى بُهْلُولٍ وَ شَتَمَهُ وَ
قَالَ لَهُ: أَيُّهَا الْمَكَارُ لَقَدْ ضَيَّعْتَ أَمْوَالِي وَ جَعَلْتَ نَفْسَكَ شَهِيرًا بَيْنَ النَّاسِ.
فَذَهَبَ إِلَى الْمَسْجِدِ بِسُرْعَةٍ وَ حَذَفَ اسْمَ بُهْلُولٍ وَ كَتَبَ اسْمَهُ بَدَلَهُ وَ عِنْدئذٍ شَعَرَ
بِالرَّاحَةِ!!

و لَمَّا شَاهَدَ بُهْلُولٌ هَذَا الْعَمَلَ ابْتَسَمَ وَ قَالَ:

﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

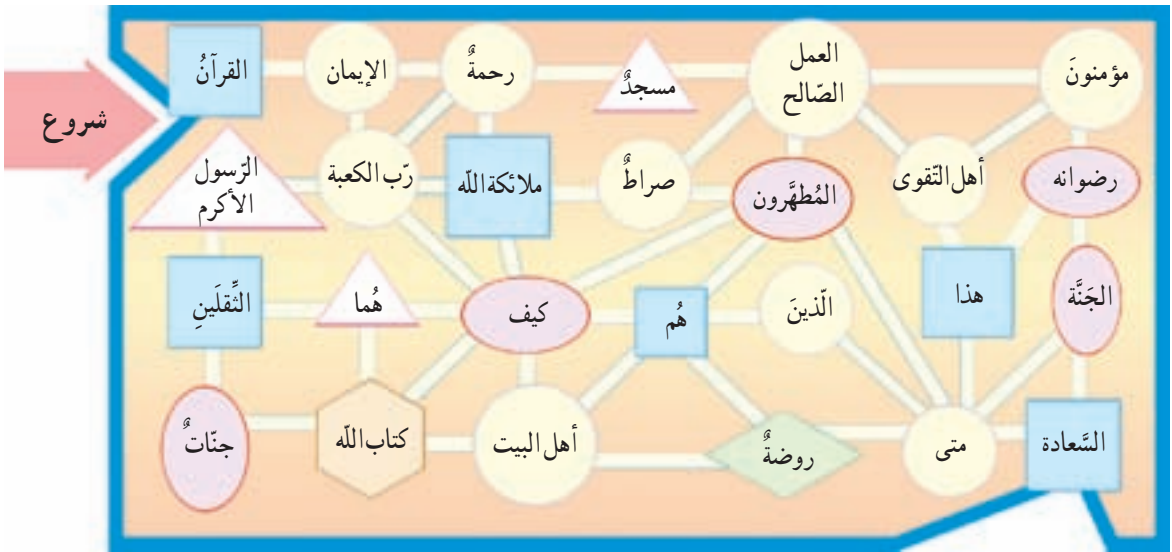
- ١- مَا فَعَلَ الصَّحَابِيُّ حِينَ سَلَّمَ عَلَيْهِ الرَّجُلُ الْفَقِيرُ؟
- ٢- مَا فَعَلَ الرَّجُلُ حِينَ هَنَّأَ النَّاسُ بُهْلُولًا عَلَى عَمَلِهِ الْحَسَنِ؟
- ٣- مَا قَالَ الرَّجُلُ لِبُهْلُولٍ حِينَ سَأَلَهُ عَنِ سَبَبِ بِنَاءِ الْمَسْجِدِ؟

١- بُهْلُولٌ هُوَ مِنْ عُقْلَاءِ الْمَجَانِينِ كَانَ يَعْشَى فِي عَصْرِ هَارُونَ الرَّشِيدِ وَ قَدْ نَقَلَتْ عَنْهُ حِكَايَاتٌ كَثِيرَةٌ.

التدريب الأول

دانش آموزی در نظر دارد با استفاده از معارف به سعادت برسد آیا می توانید او را

راهنمایی کنید؟



التدريب الثاني

املاً الفراغ بما يناسب من الموصولات:

١- العَمَالُ هُمْ... يُوصِلُونَ الْبِلَادَ إِلَى الْاِكْتِفَاءِ الْذَاتِيَّ. الَّذِي اللَّتَيْنِ

٣- قرأتُ المجلتَيْنِ ... في المكتبة. الَّتِي الَّذِينَ

٤- المؤمنُ هو ... آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ.

استخرج المعارفَ و اكتبها في المكان المناسب:

العَلَم

.....

المُعَرَّف بالإضافة

.....

الضمير

.....

١- ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ﴾ (آل عمران/١٢٣)

٢- ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا

فِي الْأَرْضِ﴾ (الحجرات/١٦)

٣- ﴿كَذَّبَتْ قَوْمُ نوحٍ الْمُرْسَلِينَ﴾ (الشعراء/١٠٥)

٤- ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا

رَبُّكُمْ...﴾ (الأنبياء/٩٢)

الموصول

.....

المُعَرَّف بـ «أل»

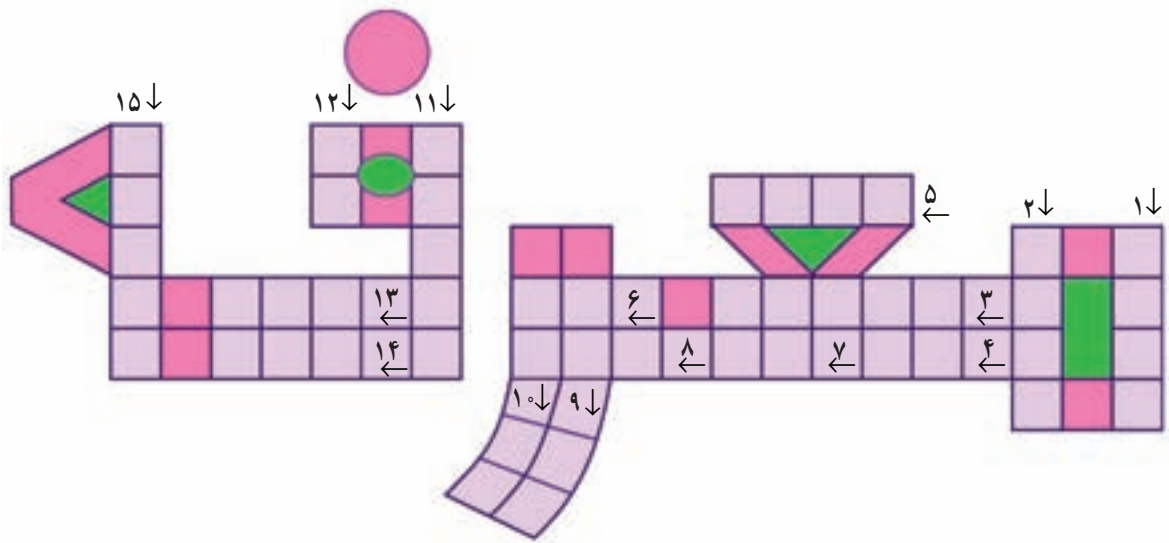
.....

الإشارة

.....

املاّ الجدول:

- | | |
|--|---------------------------------------|
| ٨- إشارةً للقريبة | ١- ضميرٌ منفصلٌ للمخاطبينَ |
| ٩- ضميرٌ متصلٌ مرفوعٌ للمخاطبينَ | ٢- ضميرٌ منفصلٌ للنصبِ |
| ١٠- ضميرٌ متصلٌ للغائبةِ | ٣- إشارةٌ لجمع البعيدِ |
| ١١- من المعارفِ هو المُعرَّفُ بالـ ... | ٤- موصولٌ عامٌ لغيرِ العاقلِ |
| ١٢- ضميرٌ مُتصلٌ، يأتي للرفعِ و للنصبِ وللجرِّ | ٥- كلمةٌ تأتي في مكانِ الاسمِ الظاهرِ |
| ١٣- إشارةٌ للبعيدةِ | ٦- موصولٌ عامٌ للعاقلِ |
| ١٤- «اسم خاصّ» في العربيةِ | ٧- ضميرٌ للغائبِ |
| ١٥- من المعارفِ التي لا تأتي بِدونِ صلةٍ | |



- در ترجمه اسم های نکره معمولاً از «ی، یک» استفاده می کنیم :
- قرأتُ مقالةً في مجلّةٍ : مقاله ای را در یک مجله خواندم.
- مشارالیه هرگاه دارای (أل) باشد، اسم اشاره آن به صورت مفرد ترجمه می شود هرچند مثنی یا جمع باشد، که در این صورت با صفت اشاره یا اسم اشاره فارسی مطابقت می کند :
- هذا الفلّاحُ ... هذانِ الفلّاحانِ ... هؤلاءِ الفلّاحونَ ...
این کشاورز ... این دو کشاورز ... این کشاورزان ...
- مشارالیه هرگاه بدون (أل) باشد، اسم اشاره آن عیناً ترجمه می شود و در این صورت با ضمیر اشاره فارسی مطابقت می کند :
- هذا فلّاحٌ : این کشاورز است. هذانِ فلّاحانٍ : این ها دو کشاورزند.
هؤلاءِ فلّاحونَ : این ها کشاورزند.

للتّرجمة

اقرأ العبارات التالية ثمّ عین ترجمتها الصحيحة:

- ۱- ﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ﴾ (المائدة/۱۵)
- الف) براستی از سوی خداوند روشنایی و کتاب روشنگر برای شما آمد.
- ب) براستی شما را از سوی خدا نوری و کتابی روشنگر آمده است.
- ۲- ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ (الإسراء/۹)
- الف) همانا این قرآن به آیینی که استوارتر است راهنمایی می کند.
- ب) همانا این، قرآنی است که به بهترین روش راهنمایی می کند.
- ۳- ﴿هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ﴾ (الحج/۱۹)
- الف) این ها دو گروه دشمن یکدیگرند که درباره پروردگارشان با هم ستیز کردند.
- ب) این، دو گروه دشمن یکدیگر هستند که درباره پروردگارشان با هم ستیز کردند.

إقرأ العبارات التالية ثم ترجمها إلى الفارسية بعبارات مألوفة:

* مَنْ صَارَعَ الْحَقَّ صَرَعهُ.

* مَنْ نَظَرَ فِي عُيُوبِ النَّاسِ فَأَنكَرَهَا تُمَّ رَضِيهَا لِنَفْسِهِ فَذَلِكَ الْأَحْمَقُ.

* الطَّامِعُ فِي وِثَاقِ الدُّلِّ.

* مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَمَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا.

صَارَعَ : گلاويز شد

صَرَع : زمین زد

وِثَاقِ الدُّلِّ : بند دلت

الف) تعداد اسم های معرفه در کدام آیه درست بیان شده است:

- ۳ - ﴿ وَ هَدَيْنَا هُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴾ (الضافات/ ۱۱۸)
- ۳ - ﴿ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ﴾ (الزمر/ ۵)
- ۳ - ﴿ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴾ (الکافرون/ ۶)

ب) در کدام یک از آیات، کلمات درست ترجمه نشده است؟

- ۱ - ﴿ وَأَذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ ... ﴾ (المزمل/ ۸)
نام پروردگارت را ذکر کن ...
- ۲ - ﴿ وَ لَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ ... ﴾ (المُلك/ ۵)
همانا آسمان دنیا را با چراغ‌هایی بیاراستیم.
- ۳ - ﴿ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ﴾ (المؤمنون/ ۱۸)
و از آسمان آب را فرو فرستادیم.